



تعریف عشق:

در این باره از قول «مولانا» و نیز «محمی‌الدین عربی» نقل کرده‌اند که «هرکس عشق را تعریف کند، آن را نشناخته است.» عشق، افراط در محبت است و از دوستی، خاص‌تر و محدودتر می‌باشد و جز بین دو نفر، امکان ندارد. از سوی دیگر، عشق با «شیفتگی» که محبت شدید یک‌طرفه است و نیز با «هوس»، به‌طور کامل متمایز می‌شود. کلام و نگاه عاشقانه، بیشتر صادقانه و خالصانه است؛ اما کلام و نگاه هوس‌آلود، مبتنی بر دروغ، ریا و نفاق است. محور عشق، «دگرخواهی» و محور و مدار هوس، «خودخواهی» است.

آسیب‌شناسی رابطه‌های زن و مرد

اقسام عشق:

عشق در یک معنا به دو بخش حقیقی و مجازی تقسیم می‌شود. در عشق حقیقی، محبوب، خداوند و صفات و افعال اوست. اما در عشق مجازی، محبوب و معشوق، ظواهر دنیوی است و رابطه‌ی عاشقانه‌ی زن و مرد نیز از قسمت‌های عشق مجازی و مصادیق عشق زمینی محسوب می‌گردد.

شاید در فلسفه‌ی زیبایی‌ی زنان در برابر مردان، بتوان گفت که خالق آدمیان، از آن‌رو جنسی را بر جنس دیگر ترجیح داده که توازن بین این دو جنس در بُعد «جسمی» برقرار گردد. اگر آدمیان دارای سه بعد قلب، عقل و جسم‌اند، به‌طور حتم مردان از زنان در حوزه‌ی جسمی، نیرومندتر و قوی‌تر هستند؛ اما زیباتر بودن زنان از مردان، باعث می‌شود که مردان با همه‌ی قدرت، نیروی جسمی و... اسیر زنان شوند و در رابطه‌ی عاشقانه، برای آنان فداکاری کنند.

هویت جنسی زن و مرد، همسان نیست. اگرچه هویت انسانی برابری دارند، ولی چون زنان، زیباترند، اگر زیبایی‌های خود را نابه‌جا عرضه کنند، هم ارزان‌تر فروخته می‌شوند و هم ممکن است مورد سوءاستفاده قرار گیرند. از این‌رو، پوشش برای زنان جوان توصیه شده است و یکی از دلیل‌های حجاب را باید در زیبایی‌ی زنان نسبت به مردان جست‌وجو کرد.

اصول رابطه‌های عاشقانه:

تعریف درست رابطه‌ی بین زن و مرد را از سنین کودکی می‌بایست به آنان آموخت. باید به فرزندان یاد داده شود که طرف مقابل خود را در مرحله‌ی اول، یک انسان ببینند و بعد باید در ایجاد رابطه، پای‌بند اصول اخلاقی، انسانی و مذهبی باشند. نوجوان و جوان باید طوری تربیت شود که به‌سادگی ارزش‌های پنهانی خود را در معرض فروش غریبه‌ها قرار ندهد. تربیت دینی می‌تواند قدرت و حس خودباوری و اعتمادبه‌نفس را در جوان و نوجوان تقویت نماید تا در گذرگاه‌های سخت ارتباط‌های اجتماعی، دچار لغزش و تزلزل نشود و بتواند در عین پای‌بند بودن به اصول اخلاقی، انسانی و مذهبی، نوع ارتباط با جنس مخالف را تعریف و مشخص نماید.

رابطه‌ی بین علم و عشق:

مرکزی‌ترین و محوری‌ترین بحث در رابطه‌های زن و مرد، عشق و رابطه‌ی عاشقانه است؛ زیرا بنیاد خانواده نیاز به وجود عشق دارد و فقدان عشق، یکی از هولناک‌ترین اتفاق‌هایی است که ممکن است در مناسبت‌های زندگی یک انسان رخ دهد و حذف آن، می‌تواند پایان شادی‌ها و خوشی‌های زندگی باشد. عشق و محبت، تنها چیزی است که در دنیا باید بورزید تا به‌دستش آوريد؛ اما مهم‌ترین ویژگی عشق، ارتباط آن با علم و آگاهی است. علم و عشق از دو جهت رابطه دارند:

(۱) علم پس از عشق:

به این معنی است که زن و مردی پس از شکل‌گیری رابطه‌ی عاشقانه، نسبت به هم شناخت، آگاهی و علم پیدا کنند؛ در این صورت، خطر فروپاشی این گونه عشق‌ها بسیار زیاده‌تر می‌باشد. به تعبیر «حضرت علی (ع)» کسی که عاشق چیزی شود، چشمش کج می‌بندد و گوشش ناشنوا می‌شود و با چشم و گوش معیوب، نمی‌توان واقعیت پیرامون خود را دید و نتیجه این که علم پس از عشق، چندان معتبر و قابل اعتماد نیست و چنین رابطه‌ی عاشقانه‌ای اگر در همین سطح بماند، آسیب‌پذیر خواهد بود.



عالی هستند یا کسی که در خانواده‌ی مرفه و دیگری در خانواده‌ی سطح پایین است، هر کدام از این افراد، الگوهای رفتاری و فرهنگی خاص خود را دارند که ممکن است موجب سرخوردگی و احساس حقارت و درنهایت سرزنش، سرکوفت و درگیری دو خانواده شود.

ج) تناسب عاطفی:

یعنی این که فرد از لحاظ تصمیم‌گیری و تفکر، به‌طور کامل از پدر و مادر خود مستقل باشد؛ البته بدیهی است که اصل مشورت، هم‌چنان جایگاه خود را خواهد داشت و یک نیاز همیشگی است، ولی فرد نباید وابستگی فکری و اقتصادی داشته باشد، زیرا در آن صورت، فرد، متکی به خانواده‌ی خود می‌شود و بنابراین در راستای استقلال فکری و اقتصادی خود گام برنمی‌دارد و در صورتی که چتر حمایتی پدر و مادر برداشته شود، او منفعَل و درمانده خواهد شد.

د) تناسب ظاهری (جسمی):

زن و مرد لازم است از نظر فیزیکی و صورت ظاهری هم‌چون زیبایی، قد و اندام مناسب هم باشند، زیرا ممکن است مورد طعنه و کنایه‌ی دیگران قرار گیرند که درنهایت، موجب کم شدن علاقه و احساس یکی و یا احساس حقارت و سرکوفت دیگری شود. به هر شکل، عدم توازن در این تناسب، موجب آشفتگی و متزلزل شدن پایه‌های زندگی می‌شود. نتیجه این که اگر رابطه‌ی عاشقانه متکی به آگاهی‌های لازم فردی و اجتماعی مخاطب باشد، به‌زودی آسیب نمی‌بیند و در صورت تأسیس نهاد خانواده، این خانواده، پایدار، آرام و ماندگار خواهد بود.

نتیجه‌گیری:

در یک نگاه می‌توان گفت که زن و مرد برای یکدیگر خلق شده‌اند و در کنار هم مکمل یکدیگرند ولی برای این که این تعامل، شکل سالم بگیرد:

۱) باید در قالب عشق باشد و از دوستی‌های ناسالم و ارتباط‌های فاسد، رهایی یابد.

۲) باید بدانیم که سالم‌ترین ارتباط‌های زن و مرد در فضای خانواده ثمر داده و نمود پیدا می‌کند.

از این رو، بهترین شکل رابطه‌ی عاشقانه‌ی زن و مرد، آن شکلی است که منتج به تشکیل نهاد خانواده شود، زیرا یکی از نیازهای زنان و مردان، نیاز جنسی است و صحبت این است که زن و مرد، تنها در یک قالب موجه و مشروع می‌توانند نیاز جنسی خود را برآورده نمایند و این بستر، مناسب خانواده است.

جدا از نگاه تنگ‌نظرانه‌ی بعضی از اندیشمندان به عشق، می‌توان گفت که بهترین و عمیق‌ترین غذای دل، «عشق» است. همان گونه که عشق بدون ایمان، آسیب‌زا است؛ عشق مبتنی بر جهل و عدم آگاهی و فقط متکی به احساس نیز سوزنده است و ممکن است منجر به شکست در رابطه‌ی عاشقانه شود. از این رو، در آسیب‌شناسی رابطه‌ی زن و مرد، هرگز نباید به داده‌های مخصوص عشق بسنده نمود و پیش از ورود به فضای عشق، نباید آن را آسان گرفت. تهیه‌کننده: علی‌اکبر امانی

۲) علم قبل از عشق:

یعنی قبل از آن که زن و مردی به یکدیگر دل بسپارند، باید آگاهانه و با شناخت و علم از یکدیگر، از جوانب مختلف، نسبت به یکدیگر شناخت لازم را پیدا کنند. از جمله معیارهایی که بسیار لازم است مورد توجه و شناخت قرار گیرد:

الف) تناسب فرهنگی:

شاید بتوان گفت یکی از دلیل‌های مهم تزلزل خانواده، بحث فرهنگی است؛ زیرا عامل‌های فرهنگی شامل دین، مذهب، آداب و رسوم، آراستن ظاهر، سنت‌ها، اعتقادات و باورهایی است که هر کدام از این عامل‌ها ممکن است در تقابل هم باشند و زن و مردی که کمترین تناسب فرهنگی نداشته باشند، به‌طور حتم با مشکل‌ها و کشمکش‌های مختلف در زندگی مواجه خواهند شد.

ب) تناسب اقتصادی:

دو خانواده بهتر است از نظر شغل و سطح اقتصادی به‌طور تقریبی هم‌سطح باشند؛ یعنی افرادی که شغل آزاد دارند، با افرادی که دارای تحصیلات